

تحقق اهداف انبیا در حکومت مهدوی با تاکید بر روایات فریقین

سید رضی قادری^۱

چکیده

پروردگار متعال با ارسال رسولان و بعثت پیامبران، اهداف بلندی را برای سعادت و کمال انسان‌ها ترسیم کرده که این اهداف و آرمان‌ها در آیات و روایات بیان شده‌اند. از آن‌جا که ائمه معصوم وارثان انبیا الهی و جانشینان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله هستند؛ همان اهداف و رسالت را بر دوش داشته و دنبال کرده‌اند؛ لکن تمامی این آرمان‌ها و اهداف در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام و در سایه حکومت پر برکتش تحقق خواهد یافت. در این پژوهش به بررسی برخی از این اهداف مهم، مانند تشکیل حکومت الهی، عدالت گستری، امنیت فراگیر، رفاه اقتصادی، ارتقای اخلاقی و فضایل نیکو پرداخته و سعی شده است با روایات فریقین در باب مهدویت تطبیق داده شود. شایان ذکر است این نوشتار با بهره‌گیری از متون و نصوص دینی، استنادات نقلی و به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی مسئله پرداخته و هدف آن، این است که ظرفیت‌سنجی نظام اسلامی را با حکومت مهدوی ترسیم کند و نیز با نگرشی مهندسی رو به آینده به سوی نظام مبارک مهدوی، این نظام را مورد توجه همگان قرار دهد.

واژگان کلیدی: پیامبران، امام مهدی، قرآن، اهداف، ظهور.

خداوند متعال برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال و سعادت، پیامبرانی از جنس خودشان فرستاده است تا آنان به عنوان هادیان و راهنمایان به تعلیم و تزکیه انسان‌ها بپردازند و مسیر تعالی را به انسان‌ها بیاموزند. پیامبران الهی از میان مردم برخاسته و طعم فقر و محرومیت را چشیده‌اند و با تمام مشکلات مردم و دردهای آنان آشنا شدند.^۱ هر چند طبق نصّ قرآنی^۲ بعضی از انبیا درجات بالاتری نسبت به بعضی دیگر برخوردار بوده‌اند؛ تمامی آن‌ها مراتب بلندی از ایمان و تقوا و وارستگی و معنویت را دارا هستند.

پیامبران الهی در مسیر رسالت خود دارای اهدافی بوده‌اند که بر اساس آن حرکت کرده و افراد و جامعه را به سمت آن هدایت کرده‌اند.

این از لطف و رحمت الهی است که خداوند به‌عنوان خالق انسان‌هاست؛ مخلوقاتش عشق می‌ورزد؛ تمامی زمینه‌های سعادت و صلاح آن‌ها را فراهم می‌کند و بهترین انسان‌ها را برای هدایت آن‌ها ارسال می‌کند؛ آن‌هم با آرمان و اهدافی که این زمینه‌ها را محقق کند.^۳ طبق آیات قرآن کریم، خداوند از پیامبرانش عهد و میثاقی گرفته است که این اهداف را دنبال کرده و از ادای ذره‌ای از وظایف خود در این مسیر کوتاهی نکنند؛ حتی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که افضل انبیا است، مورد تهدید الهی قرار می‌گیرد که مبادا در اجرای دستورهای خداوند کوتاهی صورت پذیرد.^۴

بدون شک خناسان و جباران زمانه در طول تاریخ همیشه عرصه را به انبیا و اولیای الهی تنگ کرده و در این راه برخی از مردمان به دلیل تطمیع یا تهدید و مانند آن، با طاغیان همراهی کرده و نگذاشتند پیامبران الهی به اهداف عظیم خود برسند و مردم را به ساحل سلامت و تعالی در دنیا و آخرت برسانند

لکن اهداف انبیا، در حکومت آخرین خلیفه خداوندی محقق خواهد شد و تمامی وعده‌های صلاح و

۱. حکیمی، محمد، عصر زندگی، ص ۵۹.

۲. بقره: ۲۵۳.

۳. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۶، ص ۷۱.

۴. الحاقه: ۴۴-۴۶.

سعادت آدمیان در حکومت مهدی، خواهد یافت.

با آن که موضوع بحث، بسیار کاربردی و مورد ابتلاء است؛ کم‌تر مورد پژوهش قرار گرفته، ممکن است به این دلیل باشد که محققان عموماً ترسیم نظام مهدوی را در تبیین مسئله کافی دانسته‌اند. البته با تتبع فراوانی که صورت گرفته، می‌توان به کتاب «عصر زندگی»، از محمد حکیمی اشاره کرد که فصل دوم و سوم کتاب مذکور به برخی از مؤلفه‌های این بحث پرداخته است و نیز می‌توان به کتاب «چشم‌اندازی به حکومت امام مهدی علیه السلام»، از نجم‌الدین طوسی و «حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام»، از آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی اشاره کرد. و نیز مقاله «اهداف بعثت انبیا از منظر قرآن»، از آقای حسن پویا در نشریه بینات شماره ۸۳، قابل توجه می‌باشد؛ لکن باید گفت آثار مذکور، به صورت مستقل و جامع به مسئله نپرداخته‌اند و لذا نگارنده سعی کرده است در مقاله پیش رو به صورت مستقل و تا حدودی جامع به مسئله مورد بحث بپردازد و زوایای آن را با تطبیق روایات فریقین روشن کند.

اول: تشکیل حکومت الهی

بدون شک یکی از اهداف مهم انبیا تشکیل «حکومت دینی» بوده است؛ چون «حکومت» ضروری‌ترین شرط تحقق زندگی اجتماعی است که تمامی آرمان‌ها و اهداف دیگر، ذیل آن تحقق می‌یابد. خداوند متعال در قرآن کریم به این هدف وظیفه انبیا، هم به صورت عام^۱ و هم به صورت خاص بدان تصریح کرده است که مصداق آشکار آن، جریان حضرت داوود است که خداوند فرمود: ﴿بَا دَاوُودَ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾^۲.

رشد و کمال و سعادت انسان، از منظر اعتقادی نظام‌های سیاسی یکسان نیست. برخی آن را به بهره‌گیری فراوان از امکانات مادی تعریف کرده‌اند؛ لکن در اندیشه دینی، سعادت و رشد آدمیان در دو عرصه دنیا و آخرت تفسیر شده که بدون شک دنیای بدون آخرت و آخرت بدون دنیا مذموم است.^۳

۱. حدید: ۲۵.

۲. ص: ۲۶.

۳. غزالی، احیاء العلوم، ج ۱، ص ۵۵ و فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۲، ص ۱۰۳.

حضرت امام علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «تمام انبیا آمدند برای این که حکومت تشکیل بدهند. امام حسین علیه السلام هم مسلم را فرستاد تا مردم را دعوت کند به بیعت تا حکومت اسلامی تشکیل بدهد؛ چون حکومت از مهم‌ترین اهداف انبیا است...»^۱.

قرآن کریم که معجزه جاودان است، این بر پایی حکومت از جانب انبیا را معلل کرده است و می‌فرماید: ﴿قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلْ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾^۲؛ «آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند، برای پیروی شایسته‌تر است یا کسی که خود هدایت نمی‌شود؛ مگر هدایتش کنند. شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟»

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: خداوند متعال برای آن که عصیبت اقوام جاهلیت زده را کنار زند و آنان را در پذیرش رسالت و هدایت انبیا نرم تر کند؛ تبعیت از پیامبرانش را به مرجحاتی معلل کرده است که پذیرش آن آسان باشد. لذا می‌فرماید از پیامبران تبعیت کنید؛ چون اینان از مسیر هدایت و سعادت آگاه‌ترند.^۳

بر همین اساس، در آیات دیگری، خداوند از زبان پیامبرانش مراتب بلندی از ویژگی‌های زمامداری را مطرح و مورد توجه قرار داده است.

یا حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید: ﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْم﴾؛ «مرا سرپرست خزائن سرزمین مصر قرار بده که نگهدارنده و آگاهم».^۴

در تفسیر این آیه آمده است: طبق این بیان، حضرت یوسف آشکارا گفت من بهترین فردی هستم که می‌توانم امور مالی را که بسیار مهم است، اداره کنم؛ چون کاردان و امین هستم. حضرت یوسف با کاردانی خود برنامه‌ریزی می‌کند و با امانت داری خود بی آن که خیانت و فساد ورزد، مدیریت می‌کند.^۵

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۷.

۲. یونس: ۳۵.

۳. طباطبایی، المیزان، ج ۱۰، ص ۹۲.

۴. یوسف: ۵۵.

۵. قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۵، ص ۱۸۲.

علامه طباطبایی می‌فرماید: حضرت یوسف برای تصدی وزارت مالی، به دو صفت استدلال می‌کند که این دو صفت برای پذیرش این مسئولیت و زمامداری لازم است.^۱

لکن باید گفت در بین انبیا فقط حضرت داوود و فرزندش، سلیمان توانستند حکومت تشکیل بدهند و پیامبر مکرم اسلام ﷺ نیز ده سال آخر عمر مبارکش به تشکیل حکومت اسلامی موفق شد؛ لکن از سویی به جنگ‌های متعددی با کافران و مشرکان مجبور شد که بیش از هشتاد و سه غزوه و سریه بوده^۲ و از سوی دیگر، منافقان در مدینه، زمینه را بر پیامبر ﷺ تنگ کرده بودند. لذا اهداف جهانی حکومت اسلامی و الهی در حکومت نبوی تحقق نیافت؛ لکن در منابع شیعی و اهل سنت از حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه سخن گفته شده است که محتوا و مفاد برخی از روایات، بر حقیقت چنین حکومتی است^۳

ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق عجل الله تعالی فرجه درباره این آیه پرسیدم: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۴ امام عجل الله تعالی فرجه فرمود: «این آیه هنوز تاویل نشده است.» عرض کردم: چه زمانی تاویل می‌شود؟ فرمود: «زمانی که به خواست خدا قائم قیام کند و بر تمام عالم مسلط شود. آن‌گاه دین محمد صلی الله علیه و آله به هر جا که شب سایه می‌افکند، خواهد رسید و از شرک، اثری نخواهد ماند.»^۵

صناعتی که از عالمان بزرگ اهل سنت است، ذیل همین آیه سوره توبه می‌نویسد: «اولا این حکومت الهی و اسلامی بر جهان در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه محقق می‌شود و ثانیاً برکات و نعمت‌های خداوند به حدی رونق می‌یابد که هرگز بشر چنین چیزی را ندیده است.»^۶

شیخ صدوق از امام باقر عجل الله تعالی فرجه چنین نقل می‌کند: «و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب و يظهر الله عزوجل به دینه؛ حکومت مهدوی شرق و غرب عالم را می‌گیرد و خداوند دینش را با این خلیفه اش

۱. طباطبایی، میزان، ج ۱۱، ص ۲۰۱.

۲. سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۹۴.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۵۲-۵۴.

۴. توبه / ۳۳.

۵. بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۳۴۲.

۶. صناعتی، المصنف، ج ۷، ص ۴۸۴.

سیطره می‌دهد»^۱ در سنن ابن داوود از ام سلمه نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «و یلقى الاسلام بحرانه فی الارض؛ [امام مهدی ﷺ] اسلام را بر تمام زمین سلطنت و عزت دهد»^۲.

دوم: عدالت گستری

تحقق «عدالت» فراگیر، از مهم‌ترین اهداف انبیا و سبب قوام و بقای حکومت‌ها دانسته شده است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۳ «به راستی پیامبران خود را با دلایل روشن روانه ساختیم و با آن‌ها کتاب و میزان فرستادیم تا مردم به عدالت برخیزند».

بدون تردید خداوندی که تمام انسان‌ها را بر اساس کرامت شخصیت، مراتب هدایت و بندگی را در وجود آنان به فطرت نهاده است؛ به یقین عدالت خواهی را نیز در وجودشان تعبیه کرده است.

برخی از عالمان شیعه صریحاً فرموده‌اند: در اعتقاد دینی و ایمانی، «عدالت» هم منشأ احکام دینی است و هم مقتضای آن و از همین رو، اگر حکمی عادلانه نباشد، قطعاً دینی نیست. عدالت در دین اسلام از اصول است که هیچ تخصیص بردار نیست.^۴

شهید مطهری می‌فرماید: عدالت از چنان جایگاه رفیعی برخوردار است که کلام اسلامی، بیش از هر چیز به مسئله «عدل» پرداخته و برای فقه اسلامی قبل از هر چیز مسئله عدل مطرح است. در بیان سیاست اسلام، بیش از هر واژه‌ای کلمه عدل به گوش می‌خورد.^۵

اهمیت و جایگاه والای عدالت از یک طرف و وابستگی تحقق آن به ابزارهای حکومتی و قدرت از طرف دیگر، موجب شده است که خداوند متعال این مولفه را به عنوان یکی از اهداف رسولان خود برگزیند و هرگونه بی‌عدالتی را از مسیر خود دور بداند.^۶

۱. صدوق، کمال الدین و اتمام النعمة، ج ۱، ص ۱۳۰

۲. سجستانی، سنن ابی داوود، ج ۲ ص ۴۲۸۶

۳. حدید: ۲۵.

۴. سبحانی، جعفر، معالم الحکومة الاسلامیة، ص ۴۰۹.

۵. مطهری، مرتضی، عدل الهی، ص ۳۸.

۶. حکیمی، الحیاة، ج ۲، ص ۴۱۴.

علامه طباطبایی در ذیل آیه ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۱ می‌نویسد: این که خداوند می‌فرماید ما «ترازو» را نازل کردیم تا مردم را به عدالت در معاملات خود عادت بدهیم؛ بدان دلیل است که بفهماند قوام زندگی اجتماعی بشر به معاملات و مبادلاتی است که با داد و ستد صورت می‌گیرد و این نسبت باید به عدالت بین آن‌ها برقرار شود. اگر مقوله عدالت در مسیر هدایت مراعات نشود، یقیناً مسیر هدایت و سعادت آدمیان هموار نخواهد بود. لذا قرآن کریم به کسانی که در معاملات، عدالت را رعایت نمی‌کنند، وعده عذاب داده است.^۲

بدون تردید تمامی انبیای الهی در پی عدالت گستری و ایجاد قسط و مساوات در بین مردم بوده و از هیچ کوشش در این راه فروگذار نکرده‌اند. شاهد بر این سخن آیه قرآن است: ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُوهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾، «هر امتی را پیامبری است. پس چون پیامبرشان آمد، به عدالت داوری کرد و به مردم ستم نشده است».^۳

گفتنی است عدالتی که در هنگام حکومت مهدی محقق می‌شود؛ از چنان گستره‌ای برخوردار است که به عنوان ارزشمندترین رهاورد عصر ظهور منجی عالم یاد شده است که این، آرزوی همه انسان‌های عدالت خواه عالم بوده است.^۴

به زعم برخی از عالمان شیعه، در خصوصیات قیام و حکومت امام مهدی علیه السلام هیچ ویژگی به اندازه عدالت و قسط روشنی و نما ندارد و این، گویای برجستگی این مهم در مدینه فاضله مهدوی است.^۵ در روایات متعددی از شیعه و سنی به عدالت گستری حکومت مهدوی، آن هم با ویژگی جهانی و با تعبیر "الارض" یاد شده است.

مرحوم کلینی به سند معتبر از امام کاظم علیه السلام روایتی نقل می‌کند؛ مبنی بر این که راوی از آن حضرت درباره تاویل این آیه ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾^۶ پرسید. حضرت فرمود: «خداوند

۱. حدید: ۲۵.

۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۸، ص ۹۰-۹۱.

۳. یونس: ۴۷.

۴. مکارم شیرازی، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، ص ۱۰۴.

۵. امینی، دادگستر جهان، ص ۲۱۲.

۶. حدید: ۱۷.

در آخر الزمان مهدی عجل الله فرجه را با یاورانی بر می‌انگیزد تا عدل را ایجاد کنند؛ زیرا زمین با احیای عدل زنده می‌شود.^۱

در روایات فریقین به صورت متعددی این تعبیر وارد شده است: «یَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجورًا».^۲

سوم: ارتقای اخلاق و فضایل

یکی از اهداف بلند پیامبران، دعوت مردم به رفتارهای شایسته و اخلاق حسنه است. یکی از مهم‌ترین دعوت رسول مکرم اسلام که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، این است: «بَعَثَ لِاتِمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ وَ مَحَاسِنِهَا».^۳

قرآن کریم این هدف عظیم را چنین ترسیم کرده است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ»؛ اوست که رسولی را میان مردم برانگیخت تا آیات او را بر ایشان بخواند و کردار و اعمال آنان را پاکیزه سازد.^۴

تزکیه و تهذیب و رهنمون ساختن مردم به اخلاق متعال و رفتارهای شایسته، از اهداف تمامی انبیا، به‌ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بوده است.

شهید مطهری از «تزکیه نفس» به «آزادی معنوی» تعبیر کرده و می‌فرماید: پیامبران آمده‌اند تا علاوه بر آزادی اجتماعی به بشر آزادی معنوی بدهند. تنها آزادی اجتماعی مقدس نیست، بلکه آزادی معنوی هم مقدس است و بلکه آزادی اجتماعی بدون آزادی معنوی میسر و عملی نیست.^۵

تهذیب و تزکیه اخلاق انسان‌ها از رذایل و آراستن ایشان به فضایل اخلاقی، از اصول شرایع آسمانی و اهداف غایی انبیای الهی به شمار می‌آید. سعی تمامی انبیا بر این بوده است که بندگان الهی در

۱. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۱۷۴.

۲. صنعانی، المصنف، حدیث ۲۰۷۶۷؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸؛ ابو داود، حدیث ۴۲۸۲ و صدوق، کمال الدین و اتمام النعمة، ج ۲، ص ۵۷۸.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱، ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۹۲.

۴. جمعه: ۲.

۵. مطهری، آزادی معنوی، ص ۴۱.

پرتو اعتقادات صحیح از ویژگی‌های بارز اخلاق برخوردار شوند و درون و بیرون خویش را از آلوده شدن به ردایل اخلاق منزّه سازند.^۱ با بررسی تطبیقی آیات الهی روشن می‌شود که کافران و مخالفان انبیا را همیشه کسانی تشکیل می‌دهند که از فضایل اخلاقی دور و به ردایل اخلاقی متصف یا متمایل بوده‌اند. آیات متعددی از قرآن کریم بر اتصاف انبیای الهی به صفات بلند اخلاقی دلالت دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ﴾؛ برای هیچ پیامبری سزاوار نیست که خیانت کند.^۲ مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد: «برخی از دنیا پرستان و دنیا طلبان از راه قیاس به نفس خود و از روی جهل و پندار غلط به ساحت پیامبر ﷺ چنین نسبت ناروایی (خیانت و دغلكاری) داده اند که خداوند این آیه را برای مبراً دانستن پیامبر خود نازل فرموده است...»^۳ بعد مرحوم علامه طباطبایی در ادامه می‌نویسد: «در این آیه «ما»ی حرف نفی بر سر فعل ماضی داخل شده است تا مفید استقرار نفی باشد؛ یعنی معنای آیه چنین می‌شود: خیانت مناسب شأن هیچ پیامبری نبوده است»^۴.

با بررسی تاریخ انبیا مشخص می‌شود نه تنها انبیا انسان‌های مهذب و صاحب فضایل بلند اخلاقی بوده‌اند، بلکه اصحاب انبیا و رهروان واقعی آن‌ها نیز میسر تهذیب و تزکیه اخلاق را پیموده و صاحب کمالات و فضایل شده‌اند که نمونه‌های متعددی از آن را می‌توان در اصحاب پیامبر اکرم ﷺ و دستوره‌های دینی و اخلاقی آن حضرت مشاهده کرد؛ لکن تجلی کامل و تحقق تمام اخلاق و صفات نیکو را می‌توان در حکومت مهدوی و در رفتار و کردار اصحاب و پیروان آن حضرت مشاهده کرد. امام باقر علیه السلام فرمودند: «إذا قام قائماً وضع يده على رؤس العباد فجمع به عقولهم و اكمل به اخلاقهم؛ زمانی که قائم ما قیام کند، دست بر سر بندگان می‌نهد؛ آن گاه عقل‌های آنان جمع می‌شود و اخلاق آن‌ها به کمال می‌رسد»^۵.

برخی از روایات مهدوی، به گونه‌های اخلاق اشاره کرده و فضایل اخلاقی را در آخر الزمان به تصویر

۱. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۷، ص ۲۱۹

۲. آل عمران: ۱۶۱.

۳. طباطبایی، المیزان، ج ۳، ص ۲۹۵.

۴. همان، ص ۲۹۶.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱.

می‌کشند؛ مثلاً احساس بی‌نیازی در دل‌ها از فضایل اخلاقی است؛ چون انسان به طور طبیعی حرص می‌ورزد و آرام نمی‌گیرد؛ مگر آن‌که طبق تربیت الهی انبیا قرار بگیرد: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا﴾^۱.

در روایت آمده است که پیامبر ﷺ ظهور حضرت مهدی را بشارت داده و فرمودند: «یَمَلَأُ اللَّهُ قُلُوبَكُمْ غَنًی»^۲؛ که در منابع شیعی هم این احساس بی‌نیازی وارد شده است.^۳

بدون تردید یکی از فضایل و صفات نیک انسانی، «احساس بی‌نیازی» است. بی‌تردید حرص و طمع موجب حقارت و حسادت و تباهی‌ها می‌شود. به تعبیر حضرت امام علیه السلام نفس انسان زیاده‌خواه است؛ به این معنا که هر چه را دلش بخواهد، به دنبالش می‌رود و دست‌بردار نیست. اگر به آن چیز رسید، باز چیز دیگر می‌خواهد؛ حتی اگر تمام دنیا را به او بدهند باز به دنبال کره ماه و کرات دیگر می‌گردد.^۴

نمونه دیگر از فضایل اخلاقی، زدودن کینه‌ها از دل‌هاست. شیخ صدوق از امام علی علیه السلام چنین نقل می‌کند: «لو قد قام قائمنا لذهبت الشحناء من قلوب العباد؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، کینه‌های بندگان زدوده خواهد شد.»^۵ نعیم بن حماد نیز شبیه این روایت را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است.^۶

البته ممکن است برخی از این تحولات اخلاقی از عنایات ویژه حق تعالی باشد که در آن عصر به دست ولی اعظم خود به اجرا در می‌آورد و با قدرت تکوینی الهی و با جاذبه معنوی او دل‌های مستعد را با پالایش رذایل و پیدایش و افزایش فضایل، نورانیتی ویژه می‌بخشد؛^۷ یا ممکن است امکان رشد فضایل، مرهون شرایط خاص اجتماعی آن عصر باشد که مردم دستاوردهای اتصاف به مکارم اخلاق و نیز آثار زیانبار رذایل را درک می‌کنند. لذا اصلاح خلق و خوی انسان‌ها در مسیر اهداف پیامبران، به طور عام و در نهضت خاص مهدوی، به طور خاص و تعالی و تداوم می‌یابد.

۱. معارج: ۲۲-۱۹.

۲. ابن حنبل، مسند احمد، ج ۸، ص ۶۳.

۳. طوسی، الغیبة، ص ۱۰۶.

۴. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۱۱.

۵. صدوق، کمال الدین و اتمام النعمة، ج ۲، ص ۶۲.

۶. ابن حماد، الفتن، ص ۲۶۲.

۷. صدر، تاریخ بعد از ظهور، ج ۳، ص ۲۱۱.

امنیت فراگیر

«امنیت» از مقوله‌های اساسی است که وجود آن در تمام ابعاد زندگی بشر موثر و قابل لمس است و از دیر باز تا کنون در حیات فردی و اجتماعی منشأ تحولات فراوان شده است. پیوند معنایی کلمه امنیت با کلماتی مانند ایمان و مومن نشان دهنده اهمیت فوق العاده مفهوم امنیت است^۱ مفهوم امنیت علاوه بر قرآن و روایت، به وفور در ادعیه شیعی یافت می‌شود که نشان از گستره وسیع آن در تمامی قلمروهای فردی و اجتماعی، داخلی و خارجی، فکری و روحی، اخلاقی و اعتقادی، اقتصادی و دنیوی و اخروی است که حتی در شاخص‌های ایجابی و سلبی قابل تحلیل می‌باشد؛ به این بیان که عواملی در زمینه ایجاد آرامش و امنیت موثر و مواردی نیز در سلب این امنیت قابل بررسی هستند.

قرآن کریم یکی از اهداف حاکمیت پیامبران و صالحان در زمین را تحقق امنیت معرفی کرده و می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۲ «خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این زمین جانشین خود قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین خود قرار داد و دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیم‌شان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را شریک من نگردانند».

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: این آیه وعده‌ای جمیل و زیبا به مؤمنانی داده که اعمال صالح دارند؛ مبنی بر این که به زودی جامعه صالحی مخصوص خودشان درست می‌کند و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت فراگیر جایگزین بیم آن‌ها کند؛ امنیتی که از نیرنگ کفار و منافقان دور باشد.^۳

مولفان تفسیر نمونه، ذیل این آیه نوشته‌اند: این آیه بر این نکته صراحت دارد که در سایه امنیت است که بندگی الاهی توأم با اجتناب از شرک تحقق می‌یابد. در چنین جامعه صالحی انسان‌های

۱. روحانی، محمود، المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۷۲-۳۷۳.

۲. نور: ۵۵.

۳. طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۲۰۹.

وارسته تربیت می‌شوند. اینان می‌توانند جهان را به سوی عدالت هدایت کنند.^۱

از آن‌جا که هرگونه ناامنی در هر عرصه‌ای، در سرزمین بی‌ایمانی و کفر و ظلم و استکبار ریشه دارد و از سوی دیگر، امنیت و صفات ایمانی اصلی‌ترین خاستگاه حیات معنوی طیبه و تربیت صالحان و مومنان در جامعه است؛ حضرت ابراهیم علیه السلام به این نیاز فطری توجه کرده و هنگام بنا کردن کعبه از خداوند می‌خواهد سرزمین مکه را از نعمت امنیت برخوردار کند: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا»^۲؛ خداوند متعال نیز بر این نیاز عام و دعای خاص حضرت ابراهیم علیه السلام صحه گذاشته است: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمِنًا»^۳.

ویژگی «امنیت» از چنان اهمیتی برخوردار است که موجب منت پروردگار بر آدمیان بوده و او را شایسته سپاس بندگی می‌داند: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطَعَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمْنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»^۴.

هنگامی که خانواده حضرت یوسف قصد ورود به مصر را داشتند؛ حضرت یوسف از میان تمام مواهب و نعمت‌های مصر به مسئله امنیت توجه کرد و به پدر و مادر و برادران خویش گفت: «ادْخُلُوا مِصْرَ - إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ»^۵؛ داخل مصر شوید که انشاالله در امنیت خواهید بود.

این آیه نشان می‌دهد نعمت امنیت اساس همه نعمت‌هاست؛ زیرا هرگاه امنیت از میان برود، دیگر مسائل دفاعی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد. در یک محیط ناامن، نه اطاعت خداوند مقدور است و نه زندگی همراه با سربلندی و آسودگی فکر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشرفت‌های در اهداف اجتماعی.^۶

در روایات فراوانی از شیعه و سنی بر اهمیت امنیت تاکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۴۱.

۲. ابراهیم: ۳۵.

۳. بقره: ۱۲۵.

۴. قریش: ۴ و ۳.

۵. یوسف: ۹۹.

۶. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۸۴.

«الامن و العافیه نعمتان مغبون فیها کثیر من الناس»^۱. شبیه این روایت در منابع اهل سنت نیز ملاحظه می‌شود.^۲

امیرالمؤمنین در نهج البلاغه، یکی از گرفتاری‌های زمان جاهلیت را نا امنی و عدم آسایش مردم می‌داند.^۳

هر چند برخی از پیامبران الهی، مانند حضرت یوسف علیه السلام توانسته اند در برخی از مناطق امنیت برقرار کنند؛ بنابر روایات و بر گواه تاریخ، بشر در دوران حیات زمینی خود دچار پراکندگی و دشمنی و ناامنی به سر می‌برد تا آن که خورشید مهدویت طلوع کند و بشر در سایه حکومتش از عدالت و امنیت لبریز شوند.

علامه مجلسی چندین روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نقل کرده که اهل بیت علیهم السلام مایه برکت و امان برای ساکنان اهل زمین هستند.^۴

طبق این روایات، وجود و حضور حضرت مهدی علیه السلام خواه در زمان غیبت و خواه در زمان ظهور، مایه امنیت و برکت و رحمت الهی است؛^۵ لکن جریان امنیت در زمان حکومتش به کمال می‌رسد و تمامی انسان‌ها به تکامل انسانی و سعادت الهی خویش رهنمون می‌شوند و این، هدف غایی و طرح اصولی تمامی پیامبران و امامان را به نتیجه نهایی می‌رساند.

امام علی علیه السلام درباره عصر ایمنی و سرشاری عصر ظهور از امنیت و دیگر برکات می‌فرماید: «ولو قام قائمنا لانزلت السماء قطرها و لا خرجت الارض نباتها و ذهب من قلوب العباد حتی تمشی المرثه من العراق الی الشام لا یهیجها سيع و لا تخافه؛ اگر قائم ما قیام کند، آسمان قطرات بارانش را نازل می‌کند و زمین نیز رستنی‌هایش را بیرون می‌دهد. کینه و طمع از دل‌های بندگان زدوده می‌شود؛ به گونه‌ای که یک زن که از عراق به شام می‌رود؛ آسیبی به او نمی‌رسد و هیچ حیوان

۱. حرانی، تحف العقول، ص ۳۱۴.

۲. ابن حنبل، مسند احمد، ج ۶، ص ۲۷۲.

۳. خطبه ۷۸.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۷، باب ۱.

۵. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۹۲ و مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۶۷.

درنده‌ای او را آزار نمی‌دهد و او را نمی‌ترساند»^۱.

در حکومت مهدوی نه تنها مؤمنان و مسلمانان در امنیت و آرامش به سر می‌برند، بلکه از فیض رحمت آن امام همام، تمامی اهل زمین بهره مند خواهند شد. امام حسین علیه السلام در این زمینه فرمودند: «اذا قام قائم، وسع وسعه البر و الفاجر»^۲.

ابن ماجه در سنن، از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده است: «مهدی علیه السلام میان امت من خواهد بود و مردم در زمان او، چنان امنیت و نعمتی خواهند یافت که در هیچ دوره‌ای ندیده باشند»^۳.

چهارم: رفاه اقتصادی

تمامی پیامبران برای رهنمون ساختن انسان‌ها به سعادت دنیا و آخرت از جانب خداوند فرستاده شده اند. لذا پیامبران الهی، همان طور که برای سعادت و نجات اخروی مردم تلاش می‌کردند، زمینه سعادت و پیشرفت دنیوی آن‌ها را نیز دنبال می‌کردند.^۴

تردیدی نیست بدترین و ناهنجارترین اسارت برای بشر، «فقر اقتصادی» است؛ به گونه‌ای که به ضروریات اولیه زندگی محتاج باشند. این اسارت و بیچارگی زمینه‌های رشد و تکامل مادی و معنوی افراد را نابود می‌کند و تمام همت و فرصت آدمی را صرف سیر کردن شکم و یا پوشش بدن و دستیابی به سایبانی و بهبودی از بیماری می‌کند و دیگر وقتی باقی نمی‌گذارد تا انسان به اهداف بلند و مفاهیم متعال و برتر بیندیشد و به سعادت دنیا و آخرت نایل آید.^۵

یکی از اهداف پیامبران این بوده است که مردم را از فقر و فلاکت نجات داده و زمینه‌های بهتر بهره‌گیری از زمین و برکات آن را فراهم کنند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ «به بنی اسرائیل کتاب و

۱. حرانی، تحف العقول، ص ۱۱۰.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۰.

۳. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ح ۳۷۷۹.

۴. مطهری، خاتمیت، ص ۹۲.

۵. جمشیدی، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی و امام خمینی، ص ۵۸۱.

فرمانروایی و پیامبری و روزی‌های پاکیزه به آنان دادیم و آنان را بر جهانیان برتری بخشیدیم»^۱.

خداوند متعال به حضرت نوح علیه السلام زمینه‌های آبادانی و رشد اقتصادی پایدار را گوشزد کرده است تا به قوش چنین بیاموزد: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً»؛ «از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده است تا از آسمان برایتان پی در پی باران فرستد و شما را به اموال و فرزندان مدد کند و برایتان بستان‌ها و نهرها بیافریند»^۲.

امیرالمؤمنین علیه السلام که چند سالی عهده دار حکومت اسلامی شده بود، با آن‌که دشمنی‌ها و مخالفت‌های فراوان و طاقت‌فرسایی با آن حضرت صورت می‌گرفت؛ آن بزرگوار تلاش‌های وافری کرد تا مردم کوفه از امکانات زندگی بهره‌برده و به اندازه کفاف زندگی خود درآمد داشته باشند. آن بزرگوار فرمودند: «ما اصبح بالكوفة احد إلا ناعماً ان ادناهم منزلة لياكل من البر و يجلس في الظل و يشرب من ماء الفرات؛ کسی در کوفه نیست که در رفاه به سر نبرد؛ حتی پایین‌ترین افراد نان گندم می‌خورد، سر پناه دارد و از آب گوارا می‌نوشد»^۳.

البته این رشد اقتصادی پایدار و بهره‌مندی از رفاه مادی در حکومت مهدوی، به کمال می‌رسد. امام مهدی علیه السلام از یک سو دست چپاولگران و مفسدان اقتصادی را کوتاه و از سوی دیگر مردم را به تلاش در زمینه برآوردن نیازهای زندگی خویش تشویق می‌کند. از سوی سوم، سطح اخلاق و معرفت و تقوای مردم را اوج می‌دهد تا حرص و طمع و تکاثر و احتکار و تنازع از وجود آنان رخت برنهد و همگی از حوایج زندگی خود برآمده و احساس بی‌نیازی کنند.

امام باقر علیه السلام در مورد شاخصه رفاه در حاکمیت مهدوی می‌فرماید: مردم در زمان حکومتش، از چنان رفاهی برخوردار می‌شوند که اصحاب زکات کسی را پیدا نمی‌کنند تا زکات را به او پردازند^۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عمران و آبادی و بهره‌برداری مردم را در زمان امام مهدی علیه السلام را چنین وصف

۱. جائیه: ۱۶.

۲. نوح: ۱۰-۱۲.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۳۷ و ابن حنبل، مسند احمد، ج ۲، ص ۸۸۳.

۴. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

می‌کنند: «یتنعم امتی فی زمن المهدی نعمة لم یتنعموا قبلها قط؛ امت من در زمان مهدی عجل الله فرجه به رفاه و نعمت‌هایی دست می‌یابند که پیش از آن در هیچ دوره‌ای دست نیافته بودند»^۱.

نتیجه‌گیری

براساس آیات قرآن کریم، خداوند متعال اهداف و آرمان‌های خاصی را از بعثت و ارسال پیامبران در جهت هدایت و سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها مطرح داشته که این اهداف مورد تاکید و عمل ائمه معصوم و اولیای دین نیز واقع شده است؛ ولی تحقق کامل این اهداف را که آرزوی همه انبیا و امامان و اولیای الهی است؛ در انقلاب و حکومت مهدوی شاهد خواهیم بود.

۱. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۸ و ترمذی، الجامع الصحیح، ج ۳، ص ۲۳۳.

منابع

قرآن.

نهج البلاغه.

۱. ابن حماد، نعیم، الفتن، عالم الکتب، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۲. ابو داود سبحانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، دار احیاء التراث، بیروت، بی تا.
۳. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۴. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دار الطباعة للنشر، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۵. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۶. ابن حنبل، احمد، فضائل الصحابه، دار ابن الجوزی، مصر، ۱۴۲۰ق.
۷. امام خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، انتشارات عروج، تهران، ۱۳۷۵.
۸. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، انتشارات بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۹.
۹. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۱۰. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۱. حکیمی، محمد، عصر زندگی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، انتشارات اسراء، قم، ۱۳۹۱.
۱۳. رضوانی، علی اصغر، فلسفه حکومت عدل جهانی، انتشارات جمکران، قم، ۱۳۸۵.
۱۴. حکیمی، محمد رضا، الحیاة، انتشارات الغدير، تهران، ۱۳۷۴.
۱۵. غزالی، ابو حامد، احیاء علوم الدین، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴.
۱۶. فیض کاشانی، محسن، محجة البیضاء، انتشارات صدوق، تهران، ۱۳۷۵.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.
۱۸. قریشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، قم، ۱۳۷۷.
۱۹. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۱.
۲۰. _____، المعالم الحکومة الاسلامیه، موسسه سید الشهداء، قم، بی تا.
۲۱. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۲۲. روحانی، محمود، المعجم الاحصائی لا لفاظ القرآن الکریم، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸.
۲۴. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، المجلسی العلمی، هند، ۱۴۰۳ق.
۲۵. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۰۷ق.
۲۶. صدر، سید محمد، تاریخ ما بعد الظهور، انتشارات الغدير، قم، بی تا.
۲۷. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.

۲۸. جمشیدی، محمد حسین، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی و امام خمینی، پژوهشکده امام خمینی، تهران، ۱۳۸۰.
۲۹. مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۴ق.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۳۱. مطهری، مرتضی، خاتمیت، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۸.
۳۲. _____، آزادی معنوی، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۴.
۳۳. _____، عدل الهی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۴.
۳۴. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المهدي المنتظر علیه السلام، انتشارات جمکران، قم، ۱۴۱۶ق.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات مدرسه امیر المومنین، قم، ۱۳۷۳.
۳۶. _____، حکومت جهانی حضرت مهدی، انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۷۲.